

هو الحاکم علی ما یشاء

قد کتب علی کلّ مدینة بان يجعلوا فیها بیت العدل و یجتمع فیہ التّفوس علی عدد البهآء و ان ازداد لا بأس و یرون کأنهم یدخلون محضر اللّٰه العلیّ الاعلیّ و یرون من لا یری و ینبغی لهم ان یکونوا امنآء الرّحمن بین اهل الامکان و وکالآئه لمن علی الارض کلّها و یشاورون فی مصالح العباد لوجه اللّٰه کما یشاورون فی امورهم و یختارون ما هو المختار کذلک امر ربکم العزیز الغفّار

جمال قدم مخاطباً للامم میفرماید در هر مدینه از مداین ارض باسم عدل بیٹی بنا کنند و در آن بیت علی عدد اسم الاعظم از نفوس زکیّه مطمئنّه جمع شوند و باید آن نفوس حین حضور چنان ملاحظه کنند که بین یدی اللّٰه حاضر میشوند چه که این حکم محکم از قلم قدم جاری شده و لحاظ اللّٰه بآن مجمع متوجّه

و بعد از ورود باید وکالة من انفس العباد در امور و مصالح کلّ تکلم نمایند مثلاً در تبلیغ امر اللّٰه اولاً چه که این امر اهمّ امور است تا کلّ کنفس واحده در سراق احدیّه وارد شوند و جمیع من علی الارض هیکل واحد مشاهده شوند و هم چنین در آداب نفوس و حفظ ناموس و تعمیر بلاد و السیاسة الّتی جعلها اللّٰه اسأ للبلاد و حرزاً للعباد ملاحظه کنند و تبلیغ امر اللّٰه نظر بحال اوقات و اعصار ملاحظه شود که چگونه مصلحت است و هم چنین سایر امور و آن را مجری دارند و لکن ملتفت بوده که مخالف آنچه در آیات الهی در این ظهور عزّ صمدانی نازل شده نشود چه که حقّ جلّ شأنه آنچه مقرر فرموده همان مصلحت عباد است آنه ارحم بکم منکم آنه لهو العلیم الخبیر

و اگر نفوس مذکوره بشراط مقررّه عامل شوند البتّه بعنايات غیبیه مؤید میشوند این امری است که خیرش بکلّ راجع میشود و بسیاری از امور است که اگر اعتنا نشود ضایع و باطل خواهد شد چه بسیار از اطفال که در ارض بی اب و امّ مشاهده میشوند اگر توجّهی در تعلیم و اکتساب ایشان نشود بی‌ثمر خواهند ماند و نفس بی‌ثمر موتش ارجح از حیوة او بوده و هم چنین در اغنیا و اعزّه که بعلت ضعف و پیری یا امر آخر بفقر و ذلت مبتلا شده‌اند باید در کلّ این امور و امورات دیگر که متعلّق بارض است این نفوس لله تفکّر و تدبّر نمایند و آنچه صواب است اجرا دارند

اگر عباد بطرف فؤاد ناظر شوند یقین میدانند که آنچه از مصدر امر نازل شده محض خیر است از برای من علی الارض کلّ باید بمثابه جناح باشند از برای یکدیگر فخر انسان در حکمت و عقل و اخلاق حسنه بوده نه در جمع زخارف و کبر و غرور کلّ از تراب مخلوق و باو راجع ای اهل بها زینت انسان باسباب دنیا نبوده بلکه عرفان حقّ عزّ اعزازه و علوم و صنایع و آداب بوده

شما لئالی بحر احدیّه‌اید در لؤلؤ ملاحظه کنید که صفا و عزّت او بنفس او بوده اگر او را در حریره‌های بسیار لطیف بگذارند آن حریر مانع ظهورات طراوت و لطافت او خواهد شد زینت او بنفس او است کسب این زینت نمائید و از عدم اسباب ظاهره محزون مباشید

ای اشجار رضوان خود را از اریاح ربیع الهیّه منع مکنید و از نفحات کلمات حکمیّه ربّانیّه محروم ننمائید عنایت بمقامیست که مع غفلت کلّ و این بلیّه کبری در سجن عکا از قلم ابهی جاری فرموده آنچه را که خیر عباد او بوده آنه هو الغفور الرّحیم